

Good governance; the foundation of realization of development in Iran

Abstract. Good governance as a new concept in development literature has drawn the attention of policymakers and rulers in recent decades. Good governance is a set of individual, institutional, public and private approaches that manage people's common affairs in a way that makes access to development indicators well worthwhile for everyone. This concept not only enhances engagement and cooperation with international organizations, but it can also help the government to develop in the areas of reform through transparency, accountability, non-discrimination and fight against corruption. There are various economic, social, cultural and political steps. In this paper, the concept of Good governance indicators as an efficient tool for the implementation of inclusive development will be evaluated by using descriptive-analytical method and using library resources and research articles. The results show that the implementation of good governance in the geo-political spheres of the country over a long period of the development process, improves the general standard of living of the people and the people, according to their community patterns, enjoy the right of development provided that they are constituent elements. Providers such as transparency, the rule of law, accountability and political participation. Therefore, attention to these elements in Iran can be the basis of realization of development and increase of efficiency and dynamics of administrative-political structure.

Keywords: Good Governance, Development, Efficiency, Participation, Iran

حکمرانی مطلوب؛ زیربنای تحقق توسعه در ایران

ابوالقاسم محمودی، عماد محمدخانی، اصغر اکبری

چکیده: حکمرانی مطلوب به عنوان یک مفهوم جدید در ادبیات توسعه در چند دهه اخیر توجه سیاستگذاران و حاکمان را به خود جلب کرده است. حکمرانی مطلوب مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را به نحوی اداره می‌کند که در آن دسترسی به شاخص‌های توسعه به نحو شایسته‌ای برای همگان محقق شود. این مفهوم علاوه بر این که باعث افزایش تعامل و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی می‌شود، با اصلاح برخی از ساختارهای داخلی بر مبنای شفافیت، پاسخگویی، عدم تبعیض و مبارزه با فساد می‌تواند به دولت کمک کند تا در جهت توسعه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گام بردارد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی مفهوم شاخص‌های حکمرانی مطلوب به عنوان ابزاری کارآمد برای اجرای توسعه فراگیر مورد ارزیابی قرار گرفته و منابع و چالش‌های پیش روی تحقق آن تبیین می‌گردد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اجرایی نمودن حکمرانی مطلوب در عرصه جغرافیایی-سیاسی کشور در مدت زمان طولانی فرآیند توسعه، سطح کلی زندگی مردم ارتقا می‌دهد و مردم متناسب با الگوهای جامعه خود از حق توسعه بهره‌مند می‌گردند به شرطی که همراه با عناصر تشکیل‌دهنده‌ای هم چون شفافیت، حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و مشارکت سیاسی می‌باشد. بنابراین میزان توجه به این عناصر در ایران می‌تواند زیربنای تحقق توسعه و افزایش کارایی و پویایی ساختار اداری-سیاسی باشد.

واژگان کلیدی: حکمرانی مطلوب، توسعه، کارایی، مشارکت، ایران

۱- مقدمه

از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه، قرار گرفتن در مسیر توسعه و توسعه‌یافتگی است و از مهمترین عوامل رشد و توسعه کشورها، حکمرانی مطلوب (خوب) می‌باشد. «حکمرانی مطلوب» اصطلاح جدید و نو ظهوری نیست بلکه این مفهوم از دهه ۱۹۸۰ مورد توجه مجامع سیاسی و اقتصادی و حتی دانشگاهی قرار گرفته است. پس از فراز و نشیب‌های فراوان در سیر تحول اندیشه توسعه، نظریه حکمرانی خوب یعنی نحوه اداره کشور، شیوه تصمیم‌گیری و چگونگی تعامل بین دولت و مردم به عنوان بنیان توسعه، مطرح شده است. موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه پایدار مطرح گردیده و در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار و رشد و توسعه تأکید می‌شود، که همه

این‌ها با حکمرانی خوب تحقق می‌یابد [۱] امروزه تمایلات زیادی برای درک ماهیت حکمرانی به عنوان ابزار ارتقاء فرایند توسعه‌یافتگی وجود دارد. حکمرانی خوب امروزه به مثابه یک دستگاه سنجش وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف دنیا به کار می‌رود و کشورها بر اساس شاخص‌های تعیین‌شده در این دستگاه، ارزیابی و رتبه‌بندی می‌شوند. بانک جهانی اکنون بیش از یک دهه است که همه ساله بر مبنای شاخص‌های تعریف شده در این دستگاه، وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف را بررسی و گزارش آن را به طور رسمی و علنی منتشر می‌کند. این گزارش در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها و مباحث داخلی و خارجی مبنا قرار می‌گیرد و به همین لحاظ در سرنوشت کشورها موثر است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنا نبوده و بانک جهانی همه ساله بر اساس همین دستگاه وضعیت حکمرانی در ایران را بررسی و رتبه ایران را در مقایسه با سایر کشورها اعلام می‌کند [۲] واضح است که مفهوم حکمرانی، عمیقاً به مفهوم دولت مرتبط است. در واقع، حکمرانی همان چیزی است که دولت به آن اقدام می‌ورزد. کارکرد اصلی دولت حکمرانی است؛ اما چگونگی و کیفیت حکمرانی دولت به امور گوناگونی بستگی دارد که از آن جمله به ساختار قدرت، یا بافت حاکمیت و چگونگی توزیع قدرت میان دولت و سایر نهادها و سبک مطلوب اداری کشور مربوط می‌باشد. تحقق حکمرانی خوب با توزیع بهینه قدرت میان نهادهای سیاسی و یا نحوه توزیع صلاحیت‌های سیاسی و اداری میان نهادهای دولت و حاکمیت در سطوح ملی و محلی بستگی دارد. به عبارت دیگر، حکمرانی خوب با ساختار قدرت در ارتباط است و گاه ممکن است موانع ساختاری مانع اساسی بر سر راه تحقق حکمرانی خوب باشد. آنچه که ملاک روشنی برای قضاوت در این باره است این است که در نظام‌های مبتنی بر حکمرانی خوب، میزان مشارکت‌مندی موثر و داوطلبانه شهروندان را معیاری برای ارزیابی عملکرد دولت و نهادهای دولتی می‌دانند همچنین با توجه به ویژگی‌ها و شاخص‌های آن، نیازمند دولتی است که زمینه‌ساز تحقق مشارکت سایر بخش‌ها در توسعه باشد. امروزه با تغییرات روزافزون، دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنها باید با افزایش قابلیت‌های خود، توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند و عملکرد آنها از شفافیت کافی برخوردار باشد تا امکان مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی به بالاترین سطح خود برسد. این مهم نیازمند الگوی جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده کرد. همچنین رشد شدید نظام‌های اداری، مناسبات کاری و اداری سازمان‌های دولتی، نیمه دولتی و خصوصی و همچنین سازوکارهای مختلف مدیریتی در این بخش‌ها باعث شده است که ضرورت مدیریت صحیح و حکمرانی خوب اهمیت ویژه‌ای یابد. توسعه و توسعه انسانی یکی از گفتمان‌های غالب دنیای امروز است. توسعه فراتر از نوسازی و رشد اقتصادی است و علاوه بر بهبود سطح مادی زندگی، بهره‌رساندن به انسان به معنای بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم را هم در بر می‌گیرد. افزایش درآمد و اشتغال ضروری است اما این دو، وسیله توسعه اند و نه هدف آن. هدف توسعه انسانی، پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکان‌های اوست. بنابراین از دید توسعه انسانی، رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی و مشارکت در تصمیم‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارند، همه از نمودهای توسعه انسانی محسوب می‌شوند. حکمرانی مطلوب در کشور ما با در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه می‌تواند زیربنای تحقق آن در زمینه‌های متفاوت گردد که در تحقیق پیش رو سعی بر این است با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی تاثیر حکمرانی مطلوب در تحقق توسعه و افزایش کارایی در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، انسانی را مورد بررسی قرار دهد.

۲- پیشینه پژوهش:

در زمینه رابطه حکمرانی مطلوب با توسعه و شاخص‌های آن مطالعات و تحقیقاتی صورت گرفته است که در جدول زیر به تعدادی اشاره می‌شود:

جدول ۱: پیشینه تحقیق. ترسیم نگارندگان

محقق/نوع تحقیق/سال	موضوع مورد بررسی	متغیرهای مورد بررسی	نتیجه
امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد/مقاله/ ۱۳۹۵	الگوی حکمرانی خوب؛ جا معه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه	حکمرانی خوب؛ جامعه همکار؛ دولت کارآمد؛ توسعه	در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی نشان داده است که با استقرار شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب و هم افزایی و شراکت بین بازیگران اصلی توسعه یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی جامعه همکار و دولت کارآمد سازماندهی خواهد شد و از طرفی دیگر بین شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب و توسعه همه‌جانبه ارتباط وجود دارد.
کمالی، یحیی/	بررسی نقش تمرکز زدایی در تحقق سلامت ادا	ساختار اداری؛ نظام	نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عوامل مختلفی مانند کنترل و نظارت کارآمد، فرهنگ

مقاله/۱۳۹۳	ری	اداری؛ تمرکز؛ تمرکز زدایی	سازمانی، محیط سازمانی و ساختار دولت در تحقق سلامت اداری نقش دارند. یکی از عوامل اصلی موثر بر سلامت نظام اداری، ساختار غیرمتمرکز اداری است. عدم تمرکز اگر به خوبی برنامه‌ریزی و هدایت شود می‌تواند فرصت‌های مهمی را برای تحقق سلامت اداری فراهم آورد.
یاسوری مجید و همکاران/مقاله/۱۳۹۳	بررسی راهکارهای تمرکز زدایی در ایران(قبل از انقلاب تا کنون)	آمایش سرزمین و تمرکززدایی	نتایج نشان می‌دهد برخلاف اتخاذ سیاست های تمرکززدایی این برنامه ها موفق نبوده و تمرکزگرایی در تهران تشدید شده و واقعیت ها مبین وجود تمرکز فعالیت، خدمات و مراکز تصمیم گیری در تهران است.
راستین عبدالرحیم/پایان نامه/۱۳۹۵	حکمرانی مطلوب و توزیع صلاحیت ها با تاکید بر مشارکت شهروندان در نظام عدم تمرکز اداری در ایران	عدم تمرکز/ توزیع صلاحیت/ مشارکت	دولت جهت گیری سیاست ها و برنامه های خود را بر جلب مشارکت عموم مردم، و افزایش نقش شوراها، جامعه مدنی و بخش خصوصی و اتخاذ رویکرد تمرکز زدایی تنظیم و اعلام نموده و با اجرای برنامه تحول نظام اداری، ابلاغ سیاست های کلی نظام اداری، تصویب قوانینی از قبیل قانون سلامت نظام اداری و قانون مدیریت خدمات کشوری، سعی نموده است تا پابندی خود را به شاخصه های حکمرانی خوب نشان دهد، اما در عمل با پذیرش برخی محدودیت های درونی و بیرونی، به تراکم زدایی در بدنه وزارتخانه ها و سپردن اختیارات نسبی به واحدهای خویش در مناطق و استانها و اتخاذ رویکرد عدم تمرکز سازمانی درون قوه مجریه بسنده کرده است. دولت و حاکمیت، که خود را تنها نهاد صالح در زمینه توزیع صلاحیت میان نهادهای سیاسی و اداری کشور می‌داند به تراکم زدایی و عدم تمرکز سازمانی بسنده کرده است.
آسیایی پور، ناصر/پایان نامه/۱۳۹۰	ارتباط حق توسعه و حکمرانی مطلوب	توسعه و حکمرانی مطلوب	در این تحقیق موانع و چالش های پیش روی تحقق توسعه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و ضمن تعریف مفهوم حکمرانی مطلوب به کارکردهای این مفهوم در راستای اجرای حق توسعه اشاره گردیده است. در این تحقیق مفهوم حکمرانی مطلوب به عنوان ابزاری کارآمد برای اجرای حق توسعه و تاثیر متقابل اجرای حق توسعه در تقویت شاخص های حکمرانی مطلوب مورد ارزیابی قرار گرفته است.
محمودی، امیر؛ آرش پور علیرضا/۱۳۹۶	حکمرانی مطلوب؛ سازوکار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه	حکمرانی خوب؛ توسعه اقتصادی؛	این مقاله با استفاده از آمار و اطلاعات رسمی سعی بر تجزیه و تحلیل شاخص های حکمرانی مطلوب و بررسی تاثیر آنها بر اقتصاد ایران بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شاخص های حکمرانی مطلوب با توسعه در ابعاد مختلف، به ویژه توسعه اقتصادی، ارتباط مثبت و معناداری دارد. یکی از دلایل رشد منفی اقتصادی در چند سال گذشته، کم توجهی به شاخص های حکمرانی مطلوب بوده است.

۳- مبانی نظری:

۳-۱- حکمرانی خوب

حکمرانی^۱ در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می‌شود. حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاستگذاری و هم اجرا را دارد[۳] بر این اساس حکمرانی مستلزم تعامل میان ساختار، فرآیند و سنت است که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رای دهندگان و کارکنان مستتر است[۴] می‌توان گفت جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیر حکومتی اشاره دارد[۵] از نظر دانشمندان علوم سیاسی حکمرانی بر فرگرد مدیریت سیاسی اشاره دارد که مبانی هنجاری اقتدار سیاسی و سبک هدایت امور عمومی و به‌کارگیری منابع عمومی را در بر می‌گیرد. مفهوم حکمرانیوسیعتر از حکومت^۲ است، حکومت به طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد. همان‌طور که مشخص است در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب پس دهی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد[۶] در واقع موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا وچه هنگام بدست آورد[۷] حکمرانی خوب به عنوان پارادایم جدید در

۱ . Governance

۲ . Government

اداره بخش عمومی نقطه تلاقی و تعامل بین رشته‌های مختلف علوم انسانی مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاستگذاری عمومی و روابط بین الملل را ایجاد کرده است. این الگو به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰ به بعد توسط نهادهای بین‌المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آنها به سوی توسعه ارائه شد. از نظر دی فرانته^۱ (۲۰۰۹) مدل حکمرانی خوب و نحوه حکمرانی، کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. در این نظریه دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید دارد. در حقیقت حکمرانی خوب اصطلاحی که نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزاء گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند[۸]

۳-۲- شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب

در زمینه الگوی حکمرانی خوب، نهاد‌های مختلفی نظیر سازمان ملل متحد، کمیسیون اقتصادی اتحادیه اروپا و بانک جهانی به ارائه شاخص پرداخته‌اند. در این بین مطالعات بانک جهانی از مقبولیت و جامعیت بیشتری برخوردار است [۹] بانک جهانی به رهبری دکتر کافمن، حکمرانی خوب را به شش شاخص تعریف می‌کند و براساس این شاخص‌ها وضعیت حکمرانی خوب را مطالعه می‌کند. شاخص‌های حکمرانی خوب عبارتند از:

۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی^۲: بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر مردم تأثیر می‌گذارد مورد سوال و بازخواست قرار دهند.

۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت^۳: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی می‌پردازد.

۳- بار مالی مقررات^۴: بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل: کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت پیش از اندازه تجارت خارجی.

۴- حاکمیت قانون^۵: میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.

۵- کنترل فساد^۶: استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی.

۶- کارایی و اثربخشی دولت^۷: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد.

با توجه به این شاخص‌ها می‌توان گفت در حکمرانی خوب اولویت دادن به اقدامات معتبر برای پاسخگویی سیاسی و اداری، آزادی وابستگی در رابطه با یک قوه قضاییه هدفمند و کارآمد، آزادی اطلاعات و عملکرد موثر سازمان‌های دولتی، ساختار سازمانی پلورالیست و طراحی فرآیندی از توسعه با جنبه‌های مشارکتی و همکارگونه مطرح می‌شود [۱۰]

۳-۳- توسعه

مطالعات توسعه از دهه ۱۹۴۰، نخست در حوزه علوم اقتصادی و با تأسیس مکتب ساختاری توسعه اقتصادی در آمریکای لاتین مطرح شد که راثول پریش و سلسو فورتادو (اقتصاددانان آرژانتینی و برزیلی) نقش عمده‌ای در این زمینه ایفاء کردند [۱۱] اما به مرور، این رشته از مطالعات در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند. بنابراین، اولین گروهی که به مطالعه منظم مفهوم و فرایند توسعه پرداختند، از میان اقتصاددانان برآمدند و در نهایت علم اقتصاد توسعه را ایجاد کردند. به این ترتیب نادیده گرفتن جنبه‌های غیراقتصادی توسعه را در نظریات اولیه نباید چندان غیرمنتظره تلقی کرد. اکنون همگان به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی؛ عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و بزرگداشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را هم در بر می‌گیرد بر این اساس، تعاریف متأخر توسعه واجد وجوه

1 . De Franti

2 . Voice and Accountability

3 . Poitical Instablity and Vioince

4 . Regulatry Burden

5 . Rule of law

6 . Corruption control

7 . Government Effectivenes

اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر می باشند و توسعه را در جامعیت آن مورد بررسی قرار میدهند [۱۲] در این راستا، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۲ تلفیق هر دو جنبه اقتصادی و غیراقتصادی امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسعه را پیشنهاد کرد. در همان سال، در اولین دهه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۷۰-۱۹۶۰) چنین اذعان شد «مساله کشورهای کم توسعه یافته، توسعه است و نه فقط رشد. توسعه عبارتست از رشد به علاوه دگرگونی، و دگرگونی هم نه فقط جنبه اقتصادی و کمی، بلکه جنبه اجتماعی، فرهنگی و کیفی هم دارد. مساله اصلی را باید بهبود کیفیت زندگی مردم دانست» [۱۳] بنابراین بر خلاف اولین دهه توسعه که در آن، جوانب اجتماعی و اقتصادی توسعه از هم جدا مانده بودند، دومین دهه توسعه معطوف به تلفیق دو جنبه توسعه شد و موارد زیر در دستور کار قرار گرفت ۱- عدم حذف هیچ یک از بخش های جمعیت از قلمرو دگرگونی و توسعه؛ ۲- ایجاد نوعی دگرگونی ساختاری که به توسعه ملی ارتقاء بخشیده و تمامی بخش های جمعیت را به مشارکت در فرایند توسعه ترغیب نماید؛ ۳- تعقیب عدالت اجتماعی و تلاش برای توزیع عادلانه در آمد و ثروت بین همه مردم؛ ۴- قائل شدن اولویت بالا برای توسعه توانایی های انسانی، تأمین فرصت های شغلی و برآوردن نیازهای کودکان [۱۴] بر این اساس، دومین دهه توسعه مسائل جدیدی را مورد توجه قرار داد که عبارت بودند از: مشارکت، محیط زیست، جمعیت، گرسنگی، زنان و اشتغال، در سال ۱۹۷۶ تأمین نیازهای اساسی جمعیت هر یک از کشورها، اولین و مهمترین بخش برنامه عمل کنفرانس سه گانه جهانی درباره اشتغال، توزیع درآمد و پیشرفت اجتماعی و تقسیم کار بین المللی را تشکیل میداد [۱۵] با این حال، دهه ۱۹۸۰ را دهه از دست رفته برای توسعه نامیده اند زیرا برخلاف دستاوردهای چشمگیر چهار کشور موسوم به ببرهای آسیا (تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ، کره جنوبی)، طی این دهه بدبینی حاکم شد و فرایند تعدیل اقتصادی برای بسیاری از کشورها به معنای کنار گذاشتن یا ویران نمودن اکثر دستاوردهای گذشته به نام توسعه بود اما در دهه ۱۹۹۰ روح توسعه گرایی تازه ای به وجود آمد و نظریه توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفت و گزارش های ملی در خصوص آن تهیه و تدوین گردید. [۱۶]

۴- روش تحقیق:

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی و با توجه به هدف تحقیق، توسعه ای و کاربردی است. بدین صورت که ابتدا از طریق مطالعه منابع کتابخانه ای، موضوع مورد نظر انتخاب و اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات جمع آوری شده است.

۵- یافته های تحقیق

۵-۱- حکمرانی خوب و توسعه همه جانبه:

حکمرانی خوب با قابلیت های نهادی و ماهوی دولت و مشارکت شبکه ای و افقی جامعه و همکاری و اعتماد بین آنها در بخشهای مختلف توسعه تأثیرگذار است که در ادامه به هریک از آنها اشاره می شود:

✓ سیاسی:

حکمرانی خوب با سوق دادن زندگی اجتماعی در قالب عضویت در شبکه و گروه های اجتماعی متنوع و فعالیت رسانه های گوناگون شرایط را برای شکل گیری جنبه های ذهنی و عینی دموکراسی سیاسی فراهم میکند و هم بر ساختار و هم محیط و رفتار سیاسی تأثیرگذار است [۱۷]

ساختار شبکه ای و افقی در حکمرانی خوب تساهل و تعادل سیاسی را برقرار میکند. همه اجزاء در شبکه با هم ارتباطی هم ارز و هم سطح دارند و یکی را بر دیگری برتری نیست. تنوع در دانایی هست اما اولویت در دانایی پذیرفته شده نیست. زندگی در شبکه نفی سلطه است و بازیگرانی که در حلقه شبکه باهم زندگی میکنند تعامل و تعادل را پیشه میکنند. مفاهیم با یکدیگر را می آموزند و یاد میگیرند که چگونه با تفاوت ها و تنوع های دیگران کنار بیایند. آنها در اندیشه اینکه همه را همانند خود کنند نیستند و با ناهمانندی ها و ناهمسانی ها خو میگیرند در بستر احزاب، اتحادیه ها و سازمان های رسمی، صنفی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی متخصصان و اندیشمندان و در واقع توسعه سازان احساس امنیت کرده و میتوانند بروز خلاقیت کنند. سه مؤلفه اصلی پیشرفت یعنی آزادی، آگاهی و برابری خصوصاً بین زن و مرد مطرح میشود. بنابراین حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد سازنده بین مؤلفه های اصلی یک جامعه سیاسی است تا مطلوب ترین ستانده ها عاید یک جامعه گردد و با رضایت نسبی بخش های مختلف یک جامعه همراه شود

از خصوصیات ذاتی نظام سیاسی در این الگو حاکمیت قانون و پاسخگویی حکومتی است که با ایجاد تفکیک قوا و توازن بین آنها تحقق عملی پیدا می‌کند. رفتار برابر و بدون تبعیض با همه مردم در مقابل قانون و وجود نهادهای قضایی مؤثر، کارآمد و عادلانه شرط ذاتی و جدایی‌ناپذیر حمایت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده خودسرانه مقامات حکومتی از اختیارات و صلاحیت‌های خود و اعمال غیرقانونی سازمان‌ها و افراد می‌باشد و باعث می‌شود حکومت خود را نسبت به آنان مسئول و پاسخگو بداند. با این شرایط سلامت سیاسی تضمین و اعتماد بین مردم و دولت برقرار می‌شود و بحران‌های گوناگون در جامعه مرتفع می‌شود [۱۸] نظام سیاسی مبتنی بر الگوی حکمرانی خوب ثبات و تعادل سیاسی، مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی، برابری، تفکیک ساختاری، حاکمیت قانون و پاسخگویی هم در سطح سازمانی و هم حکومتی مؤلفه‌های اصلی در اعتماد سازی هستند.

✓ اقتصادی:

فوکویاما یکی از افرادی است که به نقش با واسطه سرمایه اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی و مدنی و دولت کارآمد بر توسعه اقتصادی اشاره دارد [۱۹] بر این مبنا شاخص‌های سیاسی و اجتماعی در الگوی حکمرانی خوب نقش تسریع کننده‌ای در توسعه اقتصادی دارند. آزادیهای قانونی و انتشار آزاد اطلاعات موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمنهای صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم به مردم یک جامعه قدرت می‌بخشد تا دولت‌ها را انتخاب، کنترل و برکنار کنند. نهادها و رسانه‌های آزاد با پیگیری مطالبات گروه‌های مختلف مردم و رصد فعالیت‌های دولت می‌توانند هیولای دولت را رام کنند. بدون سازوکارهای پاسخگویی مناسب، زمینه‌های حمایتی دولت و بخش خصوصی که البته برای توسعه ضروری است، حاصلی جز رانت و فساد ندارد یکی از شاخص‌های دیگر در قالب الگوی حکمرانی خوب مبارزه با فساد است. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه خصوصاً نیروهای انسانی با استعداد به جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. این افراد می‌توانند ظرفیت مالی جامعه را از لحاظ وجود درآمدهای مالیاتی دولت‌ها کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرآیند تولید، ناتوان سازد. در حوزه قانون و قانونگذاری با تدوین و اجرای مناسب قانون، حقوق افرادی که به دنبال ارتقای قابلیت فردی هستند حفظ و موجب انگیزه و فعالیت در آنان می‌شود [۲۰] صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی در الگوی حکمرانی خوب موجب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره‌وری عوامل تولید و سیاستگذاری‌ها و مدیریت‌ها در عرصه اقتصادی می‌شود. الگوی حکمرانی خوب با منطق قانونی، سازمانی و نهادی و سازوکارهای شفاف زمینه لازم را برای بهبود شاخص‌های گوناگون اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، اشتغال، محیط مساعد کسب و کار، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری نیروی انسانی و رشد اقتصادی فراهم می‌کند.

✓ اجتماعی:

الگوی حکمرانی خوب با هم‌ترازی نیروهای اجتماعی زمینه را برای برقراری عدالت در سطح روابط اجتماعی ایجاد می‌کند. در این الگوی سیاستگذاری، هیچگونه تفاوت جنسیتی، نژادی، سنی و غیره دیده نمی‌شود و همین ساختار و سازماندهی عدالت محورانه آن زمینه مهمی برای بهبود متغیرهای اجتماعی فراهم می‌کند [۲۱] حاکمیت قانون، هنجارها و گسترش شبکه‌های اجتماعی، سیاستگذاری‌ها و اقدامات را در موضوعاتی مانند زیست انسانی، بهداشت و دیگر معضلات اجتماعی در محدوده قابل اعتماد و اتکائی از علایق جمعی و ملی جمع‌بندی می‌کند. از طرف دیگر گسترش دایره انتخاب همه افراد جامعه و ایجاد فرصت‌های برابر زندگی، حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده را آسان تر می‌کند. حکمرانی خوب با توانمندسازی فردی، ارتقای همکاری، مشارکت و احساس تعلق و افزایش رضایتمندی، برابری و عدالت موجب کاهش و زوال احساس محرومیت و فرآیند قطبی‌شدن جامعه می‌شود [۲۲] تشکلهای، اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و جوامع غیردولتی در عرصه‌های مختلف، زمینه آموزش و یادگیری برای شهروندان فراهم می‌کند. این نهادهای غیردولتی حتی با گسترش فعالیت خود در ابعاد بین‌المللی می‌توانند زمینه همکاری در جهت توسعه پایدار و حل مسائل و آلودگی‌های زیست محیطی و شرایط مساعدی برای توسعه اجتماعی فراهم کنند. بنابراین تنظیم بهینه روابط اجتماعی و سیاستگذاری اصولی در الگوی حکمرانی خوب، برخی معضلات اجتماعی و فردی، همانند تبعیض‌های منفی و برورانی برخی گروه‌ها، اقوام یا مناطق جغرافیایی، ناتوانی در اعمال اقتدار در ارائه خدمات، بیکاری گسترده و مزمن، اعتیاد، طلاق، روابط ناشی از رقابت ناسالم برای دستیابی به منابع در اثر موج مهاجرت و تهمت و لکه‌دار کردن افراد در زندگی روزانه و در گفتارهای عمومی و جامعه را کاهش می‌دهد. در زمینه اخلاقی باید گفت کارکرد صحیح نظام اداری در الگوی حکمرانی خوب، بنیان‌های اخلاقی آن جامعه را مستحکم می‌کند و انواع فسادهای اخلاقی اجتماعی در جامعه را از بین می‌برد. میتوان گفت حکمرانی خوب و شاخص‌های آن بر پایه بنیان عدالت-

محورانه خود و کارکرد نظام اداری بر اساس کارآمدی و پاسخگویی، گسترش مشارکتهای مدنی، قانونگرایی و بهره‌گیری بهینه از سرمایه انسانی نقش مهمی را در ایجاد عدالت و کاستن از معضلات اجتماعی و تحکیم همبستگی اجتماعی و توسعه پایدار دارد.

✓ فرهنگی:

باتوجه به حضور فراگیر و یکایک همه افراد در عرصه اجتماعی و همکاری در مناسبات اجتماعی و سیاسی تعلقات و انسجام ملی تقویت میشود و روند ملت‌سازی به خوبی انجام میگردد. نقش فعال در عرصه اجتماعی چه در سطح فردی و گروهی اعتماد به نفس فردی را بالا می‌برد و افراد را برای رقابت و حضور در قالب‌های مشخص آماده میکند و می‌تواند به سهولت و با اطمینان به بیان عقاید و فعالیت‌های مورد علاقه خود بپردازند و مدیریت بهینه در مورد عقاید و نظریات گوناگون اعمال شود. بنابراین تعصب‌های قومی به حداقل میرسد و گرایش‌های افراطی کاهش پیدا میکند و ظرفیت برای تحمل آرای مخالف و دیدگاه‌های متنوع افزایش می‌یابد. شفافیت و پاسخگویی حکومتی و سازمانی در الگوی حکمرانی خوب اعتماد و رضایت بین شهروندان و دولت فراهم میکند و میتواند به اتحاد و بسیج ملی منجر شود و راه‌حل‌ها و الگوها برای حل مشکلات، دقیق و سنجیده تدوین می‌گردد و سیاست‌های حکومتی با ارزشها و اصول اخلاقی نهادینه میشوند. مشارکت سازماندهی شده و منسجم زمینه رفتاری و کارکردی با ثبات و قابل پیش‌بینی در آن جامعه را شکل میدهد. در چنین جامعه‌ای همکاری و ارتباط بین افراد با حفظ حقوق و تعیین مسئولیت‌ها نسبت به یکدیگر فراهم میشود و رفتار افراد ضابطه‌مند و در قالب قواعد و رویه‌های خاصی تعریف میشود و شرایط مفاهمه و اعتماد بین آنان ایجاد خواهد شد [۲۳] بنابراین حکمرانی خوب میتواند مروج نوعی فرهنگ سیاسی مشارکتی باشد و ضمن تأثیر در تأمین امنیت فیزیکی و مادی بر امنیت نرم هم تأکید دارد و همانطور که گفته شد با قراردادن افراد در نقشهای متفاوت و متنوع در شخصیت‌سازی و رضایت درونی و به نوعی درامینت درونی او تأثیرگذار باشد.

۵-۲- کانالهای اثر گذاری حکمرانی خوب بر تحقق توسعه

• حق اظهار نظر و پاسخگویی

تعریف جدید توسعه نیافتگی و فقر به صورت محرومیت از قابلیت‌ها، دیدگاه وسیعتری از توسعه را ارایه میکند که در تعاریف قبلی، یعنی فقر درآمدی، مورد توجه لازم قرار نمی‌گرفت. دموکراسی، حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی از جمله عوامل آگاهی بخش هستند که خواسته‌های مردم از دولت را شکل میدهند. بر اساس تقسیم بندی موسسه خانه آزادی^۱ حق اظهارنظر شهروندان و پاسخ گویی دولتمردان، بیانگر جنبه های مختلف آزادیهای مدنی و حقوق سیاسی است. مردم بدون آزادی سیاسی نمیتوانند عضو گروهها شوند، ایده ای را شکل دهند و آن را بیان کنند. اما دولتهای دموکراتیک از حقوق بشر حمایت کرده و اجازه مشارکت بیشتری در نهادها و اجرای قوانین برای توزیع مناسب تر امکانات رفاهی از قبیل امکانات (آموزشی و بهداشتی را میدهند.

• بهبود عملکرد دولت

وجود آزادی‌های سیاسی اعم از آزادی بیان، قلم و اندیشه و وجود رسانه های متعدد، مستقل و آزاد، در هموارسازی مسیر توسعه نقش عمده ای دارند. در چنین شرایطی، آگاهی مردم بالا می‌رود و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می‌شود و دولتها ناچار به عملکرد کارتر میشوند و در غیر اینصورت توسط آرای مردم از چرخه قدرت حذف می‌شوند. در شرایطی که افراد جامعه از آزادی‌های سیاسی برخوردار باشند، همه مردم احساس امنیت و آزادی می‌کنند و خدمات رسانه ها در سایه رقابت، از نظر کمیت و کیفیت ارتقاء می‌یابد و کلیه اقشار جامعه را پوشش می‌دهد.

کلاگو^۲ معتقد است آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخ گویی دولتمردان، امنیت حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادها را افزایش داده و بنابر این با کاهش ریسک و نااطمینانی، نرخ بازگشت سرمایه افزایش می‌یابد. انجرمن^۳ معتقد است درجوامعی که شهروندان از آزادیهای مدنی بیشتری برخوردارند، حکومتها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخگوتر هستند، چراکه آنها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت توسعه انسانی را افزایش می‌دهد. ارتقاء توسعه انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد، که این خود موجب پاسخگوتر شدن حکومتها می‌شود.

¹ Freedom House

² Clague

³ Engerman

• ثبات سیاسی

ثبات سیاسی از دو طریق بر توسعه اثرگذار می‌باشد: الف- افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی: تشویق مباحثات آزاد در مورد انتخاب سیاستمداران و سیاستها، امکان براندازی قدرت حاکم را با ابزارهای نامشروعی چون کودتا از بین می برد. بنابراین درچنین جوامعی تغییرات سیاسی پیشبینی پذیرتر از نظامهای خودکامه است. این امر با کاهش هزینه ریسک سرمایه گذاری، موجب افزایش سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی می شود. ترورهای سیاسی، کودتا و پدیده هایی مانند آن، با از بین بردن امنیت حقوق مالکیت موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور گردیده و به تبع آن کاهش سرمایه گذاری داخلی و خارجی و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد ب- جلوگیری از فرار مغزها: سرمایه گذاری خارجی ضمن انتقال تکنولوژی، مدیریت و کادر متخصص مورد نیاز به کشور، منافع کشور را به منافع کشورهای سرمایه گذار گره می زند. لذا سرمایه گذاریهای مذکور خود ثبات و امنیت را بیشتر کرده و به سرمایه گذاری فزاینده منجر می شود. در چنین شرایطی فرار سرمایه ها و مغزها متوقف می شود و در خدمت رشد و بالندگی کشور به کار گرفته خواهد شد.

• اثربخشی دولت

حکمرانی خوب به این مفهوم است که فرآیندها و نهادها منجر به نتایجی می شوند که نیازهای جامعه را تامین می کنند و در عین حال بهتر این بهره برداری از منابع را امکانپذیر می نمایند کارایی دولت مستلزم وجود دستگاه اداری کارآمد و بهینه در کشور است. چنین دستگاهی پاسخگوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی همگان به خدمات با کیفیت مانند آموزش و بهداشت و (ایجاد محیطی مطمئن برای توسعه مردم محور و پایدار خواهد بود(مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۹۶) در دیدگاه مطلوب نهادگرایان دولت کارآمد و شفاف، با نهادسازی مناسب، توسعه را به سمت جلو هدایت می کند، حقوق مالکیت را پاس داشته، مانع فعالیت رانتخواران سودجو خواهد بود و با تنظیم قوانین و (مقررات مناسب هزینه مبادلات افراد را کاهش میدهد.

• قوانین و مقررات

از دید نهادگرایان، دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به عنوان نهاد فراگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین میتواند نهادهای جدیدی تعریف، تأسیس و مستقر کند. همچنین دولت با تصویب قوانین مناسب میتواند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب سایر نهادها و نیز کارکرد بازار در اقتصاد داشته باشد. جامعه توسعه یافته جامعه ای است که قانون در آن در حد بهینه تولید شده باشد. نه چندان کم که رفتارهای بی قاعده و پر هزینه امور جامعه را مختل کند و نه چندان فراوان که راه بر انتخاب بهینه افراد بسته شود. در حقیقت تصویب هر قانون، تأسیس یک نهاد جدید است که همچون هر پدیده دیگری هزینه ها و منافع دارد. قانونگذاری زمانی به حد بهینه خود می رسد که خالص منافع حاصل از آن به حداکثر خود برسد. از جنبه نظری میتوان نشان داد که برای یک موضوع مشخص، قانونگذاری تا حد معینی منافع دارد و فراتر از آن حد، منافع رو به کاهش میگردد.

• حاکمیت قانون

تعریف سازمان ملل^۱ از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی(شامل خود دولت)در برابر قوانین پاسخگو هستند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده اند، به طور مساوی اجرا می شوند، به طور مستقل حکم میشوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین المللی هستند. حاکمیت قانون به دنبال محدودکردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان درمقابل سوء استفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است. حاکمیت قانون تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و برخورداری شهروندان از حقوق اساسی همچون آموزش و تندرستی.

• کنترل فساد

وجود فساد باعث تخصیص غیر بهینه استعدادهای جامعه میگردد. در شرایطی که فساد درجامعه شایع شود، افراد جامعه خصوصاً نیروهای انسانی با استعداد به جای استفاده از خلاقیت و نوآوری خود، سعی می کنند از رهگذر پرداخت رشوه و توافق با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آنکه این افراد به طور بالقوه می توانستند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفتهای فنی ارتقا دهند.

۶- تجزیه و تحلیل:

¹ United Nations

وجود مشکلات عدیده در کشور، ناکارآمدی بخشی از سیستم اداری-سیاسی و بررسی رتبه های شاخص توسعه انسانی طی دهه اخیر، ضرورت توجه بیشتر به مؤلفه های پویایی سیستم و ساختار اداری-سیاسی و کیفیت زندگی شهروندان را اجتناب ناپذیر می سازد. برای اینکه کشور بتواند در رتبه شاخص توسعه انسانی متناسب با امکانات بالقوه اقتصادی کشور حرکت کند باید منابع بیشتری به مقوله آموزش تخصیص یابد. همچنین به موازات بهبود کمی و کیفی آموزش، بهبود نظام بهداشتی و تخصیص منابع بیشتر به این بخش نیز به ارتقاء رتبه شاخص توسعه انسانی کمک می کند، پیشران این تحولات، حکمرانی مطلوب و نهادینه شدن آن در همه ارکان اداری-سیاسی کشور است. توجه به مقوله یاد شده ازین نظر حائز اهمیت است که می تواند به عواملی توجه کند که حرکت جامعه ما را در این مسیر تسهیل نموده و موانع و مشکلات را از میان می برد. با نگاهی به سایر کشورها و مقایسه شاخص های توسعه مشاهده می شود که وضعیت کشور ما به طرز چشمگیری با سایر کشورها متفاوت است. البته بایستی باید به این نکته هم اشاره شود که وضعیت جغرافیایی-سیاسی و تاریخی کشورها متفاوت بوده ولی امروزه اصل حکمرانی مطلوب در اکثر کشورها پذیرفته و در حال اجرا می باشد و نتایج خوبی هم ازین روند روبه رشد حاصل شده است. به عبارت دیگر اگر نحوه توزیع متکثر منابع و سرمایه انسانی در نظر گرفته شود، الگوها و سطوح این شاخص در میان کشورها، دامنه گسترده ای را شامل میگردند و تفاوت بارزی بین این کشورها قابل مشاهده است ولی مسئله اصلی کارآمدی و شفافیت نهادها در خصوص سیاستگذاری و اجرای قوانین هست که در این خصوص، نهادگرایان معتقدند مهمترین تمایز بین کشورها نه از حیث وجود یا عدم وجود نهادها مرتبط با توسعه انسانی، بلکه مسئله اصلی کارایی و کیفیت نهادهای مذکور است. وجود سازمان های حجیم با ساختار متمرکز، وظایف و اهداف موازی و مشابه، نقص سازوکارهای رسیدگی به تقاضاها و شکایات افراد از ادارات و عدم وجود تعریف دقیقی از حداقل استاندارد کیفیت کار و خدمات دولتی برخی از ویژگی های نظام اداری کشورهای در حال توسعه است [۲۴]

امروزه حکومت ها از طرق سیاسی، قومی، مذهبی و گروه های فرهنگی در جستجوی استقلال بیشتر در تصمیم گیری و کنترل قوی تر بر منابع ملی، برای تمرکززدایی تحت فشار قرار دارند و این مهم جز با حکمرانی مطلوب در عرصه های یاد شده به دست نمی آید. با استفاده حکمرانی مطلوب در حوزه بوروکراسی می توان سیاست عدم تمرکز اداری را اتخاذ کرد که در آن صلاحیت تصمیم گیری درباره امور محلی به مقاماتی که کم و بیش مستقل از قوه مرکزی اند، سپرده می شود. این سیاست می تواند از طریق تقویت حکومت های محلی، ابزار بسیار مناسبی برای تحقق توسعه دموکراسی و توسعه انسانی و اقتصادی تلقی می گردد. با ناامید شدن از دولت ها برای گام نهادن به سوی توسعه و دموکراسی، توانمندسازی حکومت های محلی از جایگاه بسیار مهمی در استراتژی های نهادهای بین المللی برخوردار شده است. به همین جهت امروزه بیش از پیش نهادهای بین المللی چون بانک جهانی، یونسف، اتحادیه بین المللی حکومت های محلی و دیگر نهادهای وابسته به سازمان ملل، اجرای برنامه های توانمندسازی حکومت های محلی را در سرلوحه برنامه های خود قرار داده اند. این رویکرد همراه با اصل حاکمیت قانون می تواند از طریق مشارکت و نظارت و پاسخگویی تقویت شده و زمینه شفافیت و کارایی را رقم بزند زیرا یکی از مهمترین موضوعاتی که مورد نظارت و پاسخگویی قرار می گیرد، صلاحیت ها و اختیارات مقامات اداری و ارزیابی میزان انطباق آن با قوانین و مقررات دولتی است. زیرا ماموران دولتی خارج از مقررات و ضوابط دولتی نمی توانند رفتار کنند و حدود صلاحیت و اختیارات آن ها را ضوابط و مقررات دولتی تعیین می کند.

اهداف توسعه انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی یابند و نهادی به نام دولت نقش رهبری را به عهده می گیرد و فرایند توسعه را هدایت می نماید و هر جا که لازم باشد، مداخله می کند تا اطمینان یابد که نتایج مورد انتظار، به دست آمده اند. دولت های توسعه گرا قادرند چشم اندازهای کارآفرینی درازمدت را در میان نخبگان بخش خصوصی تقویت کنند، به برطرف سازی دشواری های اقدام جمعی کمک کنند و در زمینه آموزش و پرورش و زیرساخت ها به سرمایه گذاری بنیادی بپردازند. بنابراین پیشبرد استراتژی توسعه انسانی به دولت فعال در حوزه حکمرانی مطلوب و سیاستگذاری بهینه نیاز دارد. امروزه رشد اقتصادی یکی از شاخص های مهم توسعه محسوب میشود و با توجه به هدفگذاری اکثر کشورها به سمت بهبود و ارتقای سطح رفاه جامعه، مقوله رشد اقتصادی همواره با متون اقتصادی عجین بوده و مطالعات متعددی در خصوص مدل های رشد اقتصادی طی دهه های گذشته و اخیر انجام شده است. به طوری که در خصوص تبیین علل رشد اقتصادی از نقش سرمایه و نیروی کار به عنوان مهمترین عوامل رشد آغاز شده و به تدریج طی مطالعاتی با ورود عوامل دیگر همچون تغییرات جمعیتی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رانت و غیره کامل تر شده است. با این وجود تفاوت های چشمگیر در عرصه رشد اقتصادی کشورها لزوم بازنگری و تکمیل نظریه های موجود را ضروری دانسته و مطالعات متعددی در خصوص معرفی الگوهای جدید رشد در حال انجام است. آنچه در دهه اخیر مطرح شده، نقش مؤثر حکمرانی خوب با رویکردی نوین مبتنی بر شفافیت عملکردها، پاسخگویی دولت ها، حاکمیت قانون و کیفیت قوانین، کنترل و مقابله با فساد و رانت و ارتقای کارآمدی دولتها در الگوهای رشد اقتصادی میباشد. به طوری که شواهد تجربی نشان از این دارند که خصوصی سازی و ایجاد دولت حداقل به تنهایی نمیتواند الزامات رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشته

باشد و ضروری است که در کنار کوچک‌سازی حجم فعالیت‌های دولت و گذر از اقتصاد دولتی به خصوصی، برخی از الزامات و سیاست‌ها از قبیل؛ شفاف‌سازی و پاسخگویی دولت، ارتقای کارآمدی، کنترل فساد و رانت، ثبات سیاسی و اقتصادی، مقررات‌زدایی و حاکمیت قانون مصوب در کنار سیاست کوچک‌سازی دولت با محوریت حکمرانی مطلوب اتخاذ گردد.

۷- نتیجه‌گیری:

تجربه کشورها و به خصوص کشور ما در طی چند دهه گذشته نشان داده است که لازمه قدم نهادن در مسیر رشد و پیشرفت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، داشتن توان حکومت برای پاسخگویی برای عملکرد خویش و شفافیت در زمینه سیاستگذاری می‌باشد. تا بتواند محیطی را برای افراد خلق کند که از حداقل شرایط برای داشتن زندگی سالم و خلاق برخوردار باشند. و این مهم جز با حکمرانی مطلوب در زمینه‌های یاد شده به دست نمی‌آید که متأسفانه این حقیقت ساده اغلب با بروز نگرانی‌ها و اولویت‌های کوتاه مدت و عدم توجه مسئولین و مدیران مورد غفلت قرار می‌گیرد. توسعه همه جانبه به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب افراد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و بهبود وضعیت زندگی آنها در زمینه اقتصادی آنهاست که مهمترین نتایج آن را می‌توان در داشتن زندگی طولانی و سالم، و استانداردهای زندگی آبرومندانه دانست. وقتی حکمرانی مطلوب اساس کار قرار گرفته و در همه جوانب جامعه و فرد موثر واقع می‌شود شاخص‌های توسعه انسانی نیز بهبود یافته و افراد می‌توانند از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیز برخوردار شوند. شاخص توسعه انسانی اهمیت سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی، آموزش، علم، فرهنگ، ورزش‌های عمومی و مراقبت‌های بهداشتی را در راهبردهای توسعه اقتصادی و کیفیت زندگی نشان می‌دهد. بنابراین، آنچه باید مورد توجه قرار گرفته و در سیاستگذاری استفاده شود، حکمرانی مطلوب برای کاهش شکاف‌های اقتصادی، گسترش مشارکت‌های مردمی برای توسعه سیاسی، افزایش کارایی نظام اداری و در نهایت زمینه‌سازی برای تحقق توسعه همه جانبه در کشور ماست. به عبارتی در این راستا، از نظام برنامه ریزی کشور انتظار می‌رود با صراحت، پارادایم فکری خود را در خصوص سیاستگذاری‌ها در زمینه‌های یاد شده را بهبود ببخشد، چراکه پیش نیاز توسعه، داشتن یک بینش نظری قوی، منسجم، صریح و البته صحیح و منطبق بر واقعیت در خصوص توسعه انسانی کشور می‌باشد. بنابراین از دولتمردان انتظار می‌رود ضمن پرهیز از روشهای تصادفی، سیاستگذاری را بصورت عاقلانه، سیستماتیک و بر اساس شاخص‌ها و مولفه‌های حکمرانی مطلوب مشخص انجام دهند.

۸- منابع:

- [۱] شریف‌زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت الله (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، صص ۹۳-۱۰۹.
- [۲] نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب، معرفی و نقدی اجمالی، دو فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره یک، صص ۶۹-۹۳.
- [۳] شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، زمستان.
- [4] Plumpter, Tim and Jhon Graham (1999), "Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives", Institute on Governance, December 3.
- [5] Kaufmann, Danial (2010), "The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", The World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team September.
- [۶] پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، انتشارات سمت.
- [7] Sapru, R.K. (2006), *Administration Theories and Management Thought*, Delhi, Pubihshed by Prentice Hall of India.
- [8] Abdellatif, Mohamad (2003), *Good Governance and its Relationship to Democracy and Economic Development*, Ministry of Justic Republic of Korea, pp. 1-27.
- [۹] الوانی، سیدمهدی و محسن علیزاده (۱۳۸۶)، «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت، بهار، شماره ۵۳، صص ۲۴-۱.

[۱۰] سیدجواد امام جمعه زاده؛ امیرمسعود شهرام‌نیا؛ روح الله صفریانی (۱۳۹۵)؛ الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، مقاله ۱، دوره ۱۲، شماره ۳۶، پاییز، صفحه ۷-۴۰

[11]Bam Dev Sharda, George A. Miller & Archibald O. Haller (1998). "Concept and Indicators of Development: An Empirical Analysis "Journal of Developing Societies, V. 14, April.

[۱۲] توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). «جامعیت مفهوم توسعه»، مجموعه مقاله های سمینار جامعه شناسی و توسعه، جلد دوم. تهران: سمت.

[۱۳] زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی. تهران: نشر مرکز.

[۱۴] شیرزادی، رضا (۱۳۹۱). نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه ها. تهران: آگه. صمیمی، احمد و جعفری قدوسی، آمنه (۱۳۸۹). چشم انداز ملی ۲۰۳۰ قطر. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش های اقتصادی، گروه پژوهشی برنامه و بودجه، گزارش راهبردی شماره ۱۲۴.

[۱۵] هینز، جفری (۱۳۹۰)؛ مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی. تهران: آگه.

[۱۶] شیرزادی، رضا (۱۳۹۷). توسعه و توسعه انسانی در قطر، فصلنامه مطالعات سیاسی، مقاله ۸، دوره ۱۱، شماره ۴۱، دوره پاییز، صفحه ۱۶۰-۱۴۱

[۱۷] بشیریه، حسین (۱۳۹۵) آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، تهران: نگاه معاصر.

[۱۸] زارعی، محمد حسین (۱۳۸۳)؛ حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰: صص ۱۲۰-۱۴۲

[19]Fukuyma,Francis(2002), Social Capital and Development:The ComingAgenda.SAIS Review.Vol.XXII (Winter-Spring), No.(1). 23-37.

[۲۰] شاه آبادی، ابوالفضل و نیما نیلفروشان (۱۳۹۲)، تاثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه. فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال ۲۱. بهار. شماره (۶۵): ۱۶۴-۱۴۷.

[21]AddInk, Henk and Etc. (2010), Human rights and Good Governance, SIM Special, No.34, Universiteit Utrecht.

[۲۲] کریمی‌مله، علی (۱۳۹۱)، «تاملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی»*فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان، صص ۸۰-۴۳.

[23]Bendixd, Renhard (1997), Nation Building and Citizenship, Bekeley: University of California Press.

[۲۴] کمالی، یحیی (۱۳۹۳)، بررسی نقش تمرکززدایی در تحقق سلامت اداری، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۱۱-۱۳۲